

Political supervision of the rights of people with disabilities in Iran and providing a favorite pattern

Massoud Hasanabadi *

Abstract

Undoubtedly, the laws and regulations that are established in every society will be effective and useful when, firstly, they have a guarantee of implementation, and secondly, in order to increase their efficiency and complete implementation, the mechanism of effective supervision over them is also determined. The rights of the disabled are also considered as one of the most important branches of human rights in the domestic and international system, and as the rights of the largest minority in the society, they must be implemented accurately and completely by the executive institutions, which requires predicting and adopting the appropriate mechanism for checks its implementation. The political supervision that is carried out by the legislative branch on the executive branch is carried out through various means, and it should be done according to this branch regarding the extent of the implementation of the rights of the disabled. Following the examination and explanation of the shortcomings in the political supervision of the rights of the disabled in Iran, the article showed that in the current legal system, both due to the position of the institution in charge of the affairs of the disabled and the lack of proper and specialized feasibility in the Iranian Parliament, this type of supervision is not done effectively and accurately. The approach of this article in the political checks of the rights of the disabled is to adopt a differential policy in this field. In this article, after examining the current role of political supervision over the rights of the disabled in Iran, the ways to optimize this supervision, including the creation of a specialized commission in the parliament for this purpose, changing the position of the organization in charge of the affairs of the disabled, the feasibility of the presence of the head of the organization in charge of the affairs of the disabled in the Council of Ministers as well as making changes in the structure of the Commission of Article 90 of the Constitution have been examined as a desirable model.

Keywords: political supervision, rights of persons with disabilities, guarantee of implementation, organization in charge of the affairs of the disabled, Commission on Article 90 of the Constitution.

* PhD of Public Law, Tehran University, Tehran, Iran (hasanabady@gmail.com).

نظارت سیاسی بر حقوق افراد دارای معلولیت در ایران و ارائه الگوی مطلوب

مسعود حسن آبادی *

چکیده

بی‌شک، قوانین و مقرراتی که در هر جامعه وضع می‌گردند زمانی مؤثر و مفید خواهند بود که اولاً دارای ضمانت اجرا بوده و ثانياً به جهت افزایش کارآمدی و اجرای کامل تر آن، سازوکار اعمال نظارت مؤثر بر آنها نیز تعیین گردد. حقوق معلولان نیز به عنوان یکی از مهمترین شاخه‌های حقوق بشری در نظام داخلی و بین‌المللی محسوب شده و به عنوان حقوق بزرگ‌ترین اقلیت جامعه، باید به طور دقیق و کامل توسط نهادهای مجری، اجرا گردد که مستلزم پیش‌بینی و اتخاذ سازوکار مناسب جهت نظارت بر اجرای آن می‌باشد. نظارت سیاسی که توسط قوه مقننه بر قوه مجریه انجام می‌شود، از طریق ابزارهای مختلفی انجام شده و تبعاً باید نسبت به این قوه در خصوص میزان اجرای حقوق معلولان نیز انجام شود. به دنبال بررسی و تبیین نقایص موجود در نظارت سیاسی بر حقوق معلولان در ایران، پژوهش‌ها نشان داد در نظم حقوقی کنونی، هم به دلیل جایگاه نهاد متولی امور معلولان و هم به دلیل عدم امکان‌سنجی مناسب و تخصصی در مجلس شورای اسلامی، این نوع نظارت، به طور مؤثر و دقیق، صورت نمی‌گیرد. رویکرد این نوشته در نظارت سیاسی بر حقوق معلولان، اتخاذ سیاست افتراقی در این زمینه می‌باشد. در این نوشته، پس از بررسی نقش کنونی نظارت سیاسی بر حقوق معلولان در ایران، راهکارهای مطلوب-سازای این نظارت از جمله، ایجاد کمیسیون تخصصی در مجلس به این منظور، تغییر جایگاه سازمان متولی امور معلولان، امکان‌سنجی حضور رئیس سازمان متولی امور معلولان در هیئت وزیران و همچنین انجام تغییرات در ساختار کمیسیون اصل نود قانون اساسی به عنوان الگوی مطلوب، مورد بررسی قرار گرفته است.

کلیدواژگان: نظارت سیاسی، حقوق افراد دارای معلولیت، ضمانت اجرا، سازمان متولی امور معلولان، کمیسیون اصل نود قانون اساسی.

* دانش‌آموخته دکترای حقوق عمومی دانشگاه تهران، تهران، ایران؛ m.hasanabady@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۱۹

مقدمه

بر همگان واضح و مبرهن است که در جوامع انسانی برای آنکه یک جامعه دارای نظم و انضباط باشد و در سایه‌ی عدالت و آرامش بتواند به حیات خود ادامه دهد، باید قوانینی وجود داشته باشد تا افراد جامعه و ارکان آن را در کنار هم با صلح و آرامش نگاه دارد. به همین دلیل، در هر جامعه‌ای نهاد یا نهادهایی را برگزیده‌اند تا قوانین و هنجارها را وضع کند و برای متخلفان از آنها ضمانت اجرا پیش‌بینی نمایند و ارکانی نیز وجود دارند که از این قوانین و نحوه‌ی اجرای آن صیانت نمایند تا با ایجاد ضمانت اجرای متناسب برای قوانین وضع شده، جامعه را از هرج و مرج و بی‌قانونی نجات دهند. منظور از نظارت سیاسی، نظارتی است که توسط قوه مقننه و از طریق ابزارهای قانونی و سازمانهای زیرمجموعه بر قوه مجریه اعمال می‌گردد. قواعد و قوانین مرتبط با حقوق معلولان نیز مانند سایر قواعد حقوقی، پس از وضع، نیاز به نظارت از طریق نهادهای ذی‌ربط به خصوص نظارت سیاسی می‌باشد تا ایجاد و وضع قواعد حقوقی در این زمینه نتیجه‌بخش بوده و زمینه نقض آنها فراهم نگردد. حقوق افراد دارای معلولیت نیز به عنوان حقوق بزرگترین اقلیت جامعه، در کشور به طور ضعیف و ناقص رعایت شده و لازم است با اتخاذ سازوکارهای حقوقی، هم نظارت بر آن را افزایش داد و هم به تقویت ضمانت اجرای ناشی از نقض آن پرداخت. یکی از نظارت‌های مهم و مؤثری که می‌تواند بر اجرای حقوق معلولان انجام شده و به اعمال ضمانت اجرا نسبت به متخلفین از اجرای این حقوق بپردازد نظارت سیاسی می‌باشد که چنانچه با سازوکار دقیق و تخصصی به این موضوع بپردازد می‌تواند تا حد زیادی زمینه اجرای حقوق افراد دارای معلولیت را فراهم نموده و از نقض حقوق آنها جلوگیری نماید. این نظارت هم با ابزارهای سیاسی که مجلس برای نظارت در دست دارد مانند تذکر، سؤال و استیضاح صورت می‌گیرد و هم از طریق کمیسیون اصل نود قانون اساسی که در مجلس به همین منظور ایجاد شده، انجام می‌شود. البته زمانی این نظارت بر حقوق معلولان کارآمد و نتیجه‌بخش خواهد بود که اولاً ضمانت اجرای محکمی برای جلوگیری از اجرای آن در نظر گرفته شود ثانیاً به صورت تخصصی، سازوکار این نوع نظارت هم در نهاد یا نهادهای ناظر و هم در نهاد یا نهاد های منظور، پیش‌بینی گردد. در این نوشته به دنبال آنیم که تبیین نماییم نظارت سیاسی بر اجرای حقوق افراد دارای معلولیت در ایران با چه نقایصی مواجه می‌باشد که باعث اجرای ناقص و حتی عدم اجرای این حقوق شده است؟ به نظر می‌رسد با توجه به عدم اجرای کامل حقوق معلولان در جامعه، اولاً سازمان متولی امور معلولان از جایگاه حقوقی مناسبی برخوردار نبوده و ثانیاً نظارت سیاسی مجلس در این زمینه دقیق و حساس نبوده و نهادهای ناظر به صورت تخصصی، به این موضوع، نپرداخته‌اند و سازوکار مناسب و متناسب با موضوع، در نهادهای ناظر (مجلس)

شورای اسلامی و کمیسیون اصل نود قانون اساسی) تخصیص نیافته است. موضوعی که باعث اهمیت و ضرورت طرح و بررسی نوشته پیش رو گردیده، اقدامات لازم جهت نظارت پذیری حداکثری بر حقوق افراد دارای معلولیت می‌گردد که توسط مجلس بر قوه مجریه صورت می‌گیرد. چراکه تا نظارت دقیق بر اجرای حقوق، انجام نشود وضع قواعد حقوقی نیز بلااثر و بی‌فایده خواهد بود و وجود سازوکار لازم جهت نظارت مناسب بر قواعد و هنجارها، ضامن اجرای آنها خواهد بود. به ویژه در زمینه حقوق افراد دارای معلولیت که جزء اقشار آسیب‌پذیر جامعه بوده و تا کنون نیز حقوقشان تضییع گردیده است. به بیان دیگر، زمانی می‌توان از انجام تکالیف قوه مجریه و به ویژه حقوق افراد دارای معلولیت مطمئن بود که نظارت سیاسی دقیقی بر آن صورت گیرد و پاسخ‌خواهی و پاسخ‌گویی به نحو مطلوبی انجام شود. تا کنون کتب و مقالات متعددی نیز از سوی نویسندگان و صاحب‌نظران در حوزه‌های مربوط به حقوق اساسی در زمینه انواع نظارت و حتی نظارت سیاسی نگاشته شده است ولی در زمینه نظارت سیاسی بر حقوق افراد دارای معلولیت هیچ‌گونه نوشته‌ای یافت نگردید و نگارنده در این زمینه با خلأ جدی مواجه بود. در این نوشتار که به صورت توصیفی-تحلیلی و به روش کتابخانه‌ای تهیه گردیده، در بخش اول، پس از پرداختن به نقش ابزارهای سیاسی مجلس در نظم حقوقی کنونی، پیشنهادهای در قالب الگوی مطلوب ارائه می‌گردد و در بخش دوم نیز ابتدا نقش کمیسیون اصل نود قانون اساسی در نظم حقوقی کنونی بررسی شده و در آخر نیز سازوکارهای لازم جهت مطلوب‌سازی نظارت کمیسیون مذکور بر حقوق افراد دارای معلولیت ارائه می‌گردد.

مبحث اول: نقش کنونی ابزارهای نظارت سیاسی مجلس بر دولت در تضمین حقوق معلولان و ارائه الگوی مطلوب

در زمینه نظارت، تقسیم‌بندی‌های متعددی صورت گرفته است. بر اساس یکی از تقسیم‌بندی‌ها که بر اساس ماهیت دستگاه ناظر انجام شده است نظارت به سیاسی، تأسیسی، داری و قضایی تقسیم شده است. صرف نظر از انواع نظارت بر اساس تقسیم‌بندی مذکور، منظور از نظارت سیاسی نظارتی است که اساساً توسط قوه مقننه و پارلمان، بر قوه مجریه از طریق ابزارها و سازوکارهای مختلف قانونی انجام می‌شود. در این مجال، برآنیم که به بررسی نحوه‌ی نظارت سیاسی مجلس بر اجرای قوانین در قوه‌ی مجریه به عنوان یکی از وظایف این نهاد سیاسی بپردازیم.

در واقع قوه‌ی مقننه از بین قوای سه‌گانه، واجد بیشترین اقتدار و اعمال حاکمیت می‌باشد و قابل تعطیل و منحل شدن از سوی قوه‌ی مجریه نیست و در همه‌ی امور مربوط به مردم (به شرط نقض موازین اسلامی و قانون اساسی) حق ورود، قانون‌گذاری و نظارت را دارد. قوه‌ی مجریه که نسبت به سایر

دموکراسی‌های دنیا در مقایسه با سایر قوا، از اقتدار کمتری برخوردار است کاملاً مسئول و تحت نظارت چند جانبه‌ی قوه قضائیه، مجلس و رهبری و حتی مردم قرار دارد که همه‌ی این موارد در راستای ایجاد حاکمیت پارلمان بر دولت است و محدودیت‌های زیادی بر ظرفیت عمل دولت تحمیل می‌نماید (شفیعی فر، ۱۳۸۴: ۱۳۷). این امر (نظارت قوه‌ی مقننه بر عملکرد قوه‌ی مجریه)، مانند امر قانون‌گذاری از وظایف اصلی او می‌باشد و حتماً می‌توان گفت از لحاظ سیاسی اختیار نظارتی پارلمان بر اختیار قانون-گذاری آن برتری دارد و طبق گفته‌ی استوارت میل وظیفه‌ی یک مجلس قانون‌گذاری، حکومت کردن نیست بلکه نظارت بر حکومت و بررسی اعمال آن است؛ به خصوص هنگامی که این اعمال مورد اعتراض باشند و پارلمان باید آن دسته از اعضای حکومت را که چنین اعمالی را مرتکب می‌شوند توبیخ کند و آن‌ها را از مشاغل خود برکنار سازد و افراد جدیدی را جایگزین آن‌ها کند (طباطبائی موتمنی، ۱۳۹۳: ۱۲۱-۱۲۲).

جمهوری اسلامی ایران دارای نظام نیمه‌پارلمانی بوده و پس از اصلاحات قانون اساسی در سال ۱۳۶۸ و حذف پست نخست وزیری، تشکیل دولت و تغییرات آن با اشتراک مساعی رئیس‌جمهور و مجلس صورت می‌گیرد به طوری که رئیس‌جمهور وظیفه تعیین و معرفی و مجلس وظیفه دادن رأی اعتماد به وزرا و دولت را دارد (هاشمی، ۱۳۸۰: ج ۲، ۱۵۷-۱۵۶) بنابراین، نظارت مجلس بر وزرا، هم پیش از شروع به کار آنها بوده و هم در زمان ایفای مسئولیت آنها ادامه دارد که مجلس از طریق ابزارهایی بر آنها و حتی رئیس‌جمهور نظارت می‌نماید و از تغییر مصیر آنها به سمت انحراف از انجام تکالیف خود، جلوگیری می‌کند.

گفتار اول: نقش و جایگاه کنونی ابزارهای نظارت سیاسی مجلس بر دولت در راستای

تضمین حقوق معلولان

پس از آن که دولت از مجلس رأی اعتماد کسب کرد و مشروعیت یافت و آغاز به کار کرد باید بداند که این پایان نظارت مجلس بر قوه‌ی مجریه نیست و مجلس برای کنترل قدرت این قوه با ابزارهای نظارتی خود همچنان مشغول اعمال نفوذ و حراست از حقوق و آزادی مردم است.

نظارت عام مجلس بر قوه‌ی مجریه را می‌توان به ترتیب در سه ابزار ۱- تذکر ۲- سؤال و ۳- استیضاح بیان کرد (عباسی لاهیجی، ۱۳۹۷: ۱۷۰) که در ذیل به هر کدام به طور جداگانه خواهیم پرداخت.

بند اول: تذکر

نمایندگان مجلس برای آنکه بتوانند به وظایف نمایندگی خود به خوبی عمل کنند لازم است در مورد موضوعات مربوطه، کسب اطلاع کنند که در این زمینه از ابتکاراتی چون حق تذکر و سؤال که در

قانون اساسی و آیین‌نامه‌ی داخلی مجلس برای نمایندگان قائل شده است، استفاده می‌کنند. البته باید گفت که تذکر، خود جلوه‌ی کسب اطلاع ندارد اما نماینده‌ای که اقدام به تذکر می‌کند از یک طرف براساس اطلاعات واصله (از حوزه‌های انتخابیه و یا مردمی) از این حق استفاده کرده است و از طرف دیگر وزیری که مورد تذکر قرار می‌گیرد نیز پس از دریافت تذکر ناگزیر است که پاسخ دهد که این امر هم خود حاوی اطلاعاتی است که می‌تواند مورد بهره‌برداری نماینده‌ی تذکردهنده و سایر نمایندگان قرار گیرد. البته قانون اساسی اشاره‌ای به تذکر ندارد (هاشمی، ۱۳۸۰: ج ۲، ۱۶۹-۱۶۸) اما طبق ماده‌ی ۲۰۶ آیین‌نامه داخلی مجلس «در کلیه‌ی مواردی که نماینده یا نمایندگان مطابق اصل هشتاد و هشتم (۸۸) قانون اساسی، از رئیس جمهور یا وزیر درباره‌ی یکی از وظایف آنان حق سوال دارند، می‌توانند در خصوص موضوع مورد نظر به رئیس جمهور و وزیر مسئول کتباً تذکر دهند. هیأت رئیسه خلاصه‌ی تذکر را در جلسه علنی مجلس قرائت و متن کامل تذکر را به رئیس جمهور و یا وزیر مربوط ابلاغ می‌نماید.»

با توجه به توضیحات فوق در مورد حق تذکر نمایندگان مجلس و با اشاره به این موضوع که این حق کلیه‌ی وظایف قوه‌ی مجریه را در بر می‌گیرد، می‌توان گفت که نمایندگان مجلس در رابطه با اجرای حقوق موضوعه افراد دارای معلولیت در قوانین نیز می‌توانند با استفاده از این حق به رئیس جمهور و وزیری که متولی این امر هست از تریبون مجلس تذکر دهند و یا برای آنان تذکر کتبی بفرستند و طلب پاسخ کنند و در این زمینه حرکتی مثمر ثمر انجام دهند. البته در وضعیت حقوقی کنونی، این اقدام در زمینه حقوق افراد دارای معلولیت نیز باید مانند سایر مواردی که نیاز به تذکر دارد توسط هر کدام از نمایندگان انجام شده و به طور سازمانیافته نهاد یا کمیسیونی در مجلس، این وظیفه را به عهده ندارد و همچنین تذکر در زمینه حقوق معلولان، باید به صورت غیر مستقیم نسبت به وزیر رفاه انجام شود و دادن تذکر به رئیس سازمان متولی امور معلولان ممکن نیست و همین موارد، می‌تواند باعث کم‌رنگ شدن نظارت سیاسی بر حقوق معلولان و به تبع آن عدم اعمال ضمانت اجرای مناسب علیه متخلفین از طرف مجلس گردد.

بند دوم: سوال

یکی دیگر از ابزارهای نظارتی مجلس که توسط آن بر قوه‌ی مجریه اعمال نفوذ می‌کند و قدرت این قوه را با داشتن اختیارات قابل توجه به نفع مردم کنترل می‌نماید بحث سوال است (عباسی لاهیجی، ۱۳۹۷: ۱۷۱) که با اصلاحات قانون اساسی در سال ۱۳۶۸ شامل طرح سوال از رئیس جمهور و وزرا می‌باشد (هاشمی، ۱۳۸۰: ج ۲، ۱۷۰) تا اینگونه نظارت قوه‌ی مقننه بر قوه‌ی مجریه افزایش یابد. سوال

دارای ضمانت اجرای مستقیم نبوده ولی عدم اقتناع نمایندگان از پاسخ وزرا یا رئیس جمهور می تواند زمینه‌ی استیضاح آن‌ها در مجلس را فراهم نماید (پروین و اصلانی، ۱۳۹۱: ۲۴۷). البته نمی‌توان سوال از رئیس جمهور را فاقد هرگونه ضمانت اجرا دانست و مطابق تبصره ماده ۱۹۷ قانون آیین نامه داخلی مجلس چنانچه نمایندگان از پاسخ رئیس جمهور به سوالات مطروحه قانع نگردند و همچنین موضوع از موارد نقض قانون و یا استتکاف رئیس جمهور از قانون محسوب شود، موجبات ارسال سوال به قوه قضاییه فراهم گردیده که حتی می‌تواند زمینه طرح موضوع تخلف رئیس جمهور در دیوان عالی کشور و عزل وی توسط رهبری را طبق بند ۱۰ اصل ۱۱۰ قانون اساسی فراهم نماید (پروین و مصطفوی‌نژاد، ۱۴۰۰: ۵۴). رئیس جمهور نیز به علت دایره اختیارات وسیعی که دارد باید در مقابل مجلس که متشکل از نمایندگان مردم است پاسخگویی عملکرد خود در قوه‌ی مجریه باشد.

سؤال از رئیس جمهور و وزرا نیز ابزار مهم و هشداردهنده‌ای است که مجلس می‌تواند به وسیله آن بر میزان و نحوه اجرای حقوق افراد دارای معلولیت نظارت داشته باشد. البته در حال حاضر و با توجه به جایگاه کنونی سازمان بهزیستی به عنوان نهاد متولی امور معلولان به عنوان یکی از سازمان‌های زیرمجموعه وزارت تعاون، این نظارت به صورت غیرمستقیم صورت می‌گیرد چراکه نمایندگان مجلس، صرفاً امکان طرح سؤال از وزیر تعاون را در راستای حقوق افراد معلول که بخش مهمی از جامعه را تشکیل می‌دهند را دارند و رئیس سازمان متولی امور معلولان مستقیماً نمی‌تواند مورد سؤال واقع شود. البته در موارد مهم و اساسی، چنانچه مجلس شورای اسلامی بخواهد می‌تواند از رئیس جمهور نیز در مورد آن دسته از اقدامات یا عدم اقداماتی که باعث تضییع حقوق معلولان شده است مانند عدم پیش‌بینی بودجه برای اجرای این حقوق که به نوعی جزء وظایف وی به عنوان رئیس قوه مجریه، محسوب می‌شده، نظارت داشته باشند که البته تا کنون این اقدام، توسط مجلس برای عدم اجرا یا عدم پیش‌بینی سازوکار لازم برای اجرای حقوق معلولان توسط رئیس جمهور انجام نشده است.

بند سوم: استیضاح

استیضاح که در لغت به معنای توضیح خواستن است، در اصطلاح سیاسی بر توضیح خواستن از وزیر مسئول به وسیله‌ی یک یا چند عضو مجلس قانون‌گذاری اطلاق می‌شود (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۱: ج ۱، ۳۵۸) و یکی دیگر از ابزارهای نظارت مجلس است که از طریق آن بر قوه‌ی مجریه اعمال قدرت می‌کند. ابزاری که نسبت به دو ابزار دیگر یعنی تذکر و سؤال از قدرت و تأثیر بیشتری برخوردار است. طبق اصل هشتماد و نهم قانون اساسی، استیضاح هم در مورد وزیران و هم در مورد رئیس جمهور می‌تواند اجرا شود.

با توجه به اصل هشتماد و نهم قانون اساسی «نمایندگان مجلس شورای اسلامی می‌توانند در مواردی که لازم می‌دانند هیئت وزیران یا هر یک از وزرا را استیضاح کنند...» در واقع استیضاح وزیر یا وزیران زمانی در مجلس آغاز می‌شود که مجلس از طریق ابزارهای دیگر نظارتی مانند تذکر، سؤال یا تحقیق و تفحص که در اختیار دارد به نتیجه‌ی مطلوب مورد نظر خود نرسد یا اینکه به دلیل مخالفت آشکار با وزیر یا هیئت وزیران یا دلایل سیاسی دیگر مانند قانع ساختن افکار عمومی، تصمیم به استیضاح می‌گیرد و نمایندگان مجلس به دلیل بی‌اعتمادی به وزیر مذکور اقدام شدیدتری را در دستور کار خود قرار می‌دهند (اشکبوس و اصلانی، ۱۳۹۷: ۶۰-۵۹). که بر اساس اصل ۸۹ قانون اساسی، با تقاضای یک سوم نمایندگان، این فرایند آغاز می‌شود.

اگرچه این روند معمولاً با ملاحظات خاص سیاسی، پیچیده شده و کاربرد آن هم به همین دلیل محدود و گاهی بی‌اثر جلوه می‌کند اما در نهایت در صورت عدم پاسخگو بودن رئیس جمهور، طبق اصل ۱۱۰ قانون اساسی این ظرفیت هست که بتوان دولت را در چهارچوب قانون تغییر داد (استیری، ۱۳۹۲: ۹۸).

در نظم حقوقی کنونی، استیضاح وزیر، هیئت وزیران یا خود رئیس جمهور نیز می‌تواند به دلیل نقض حقوق معلولان انجام شود که با توجه به جایگاه کنونی رئیس سازمان بهزیستی به عنوان معاون وزیر، به صورت غیر مستقیم بوده و خود رئیس سازمان، در مقابل مجلس شورای اسلامی فاقد مسؤلیت سیاسی می‌باشد. ولی میتوان وزیر تعاون را به دلیل تقصیر یا قصور معاونش وی در زمینه اجرای حقوق معلولان، هیئت وزیران را به دلیل عدم اتخاذ یا اتخاذ تصمیمی که باعث تضییع حقوق معلولان گردد و یا رئیس جمهور را به دلیل کوتاهی در انجام اقدامات و سازوکارهای لازم برای اجرای حقوق این افراد، مورد استیضاح قرار داد.

گفتار دوم: ارائه الگوی مطلوب نظارت سیاسی مجلس بر قوه مجریه در تضمین حقوق افراد دارای معلولیت

آنچه تاکنون بیان شد، وضعیت موجود نظارت سیاسی مجلس بر حقوق افراد دارای معلولیت می‌باشد. ولی باید گفت از وضعیت موجود، تا مطلوب‌سازی نظارت سیاسی بر حقوق افراد دارای معلولیت فاصله زیادی وجود دارد. با توجه به ضعف‌ها، خلاها و نواقصی که در وضعیت فعلی وجود دارد، در این سخن بر آنیم تا الگوی مطلوب نظارت سیاسی بر حقوق افراد دارای معلولیت را با هدف ارتقای تضمین‌های فعلی اجرای حقوق این افراد، در قالب چند گفتار تبیین و تشریح نماییم.

بند اول: ایجاد کمیسیون تخصصی در مجلس شورای اسلامی

یکی از پیشنهاداتی که مبتنی بر وضعیت موجود نظارت سیاسی مجلس بر قوه مقننه در زمینه حقوق افراد دارای معلولیت می‌توان مطرح نمود، تشکیل کمیسیونی تخصصی جهت حمایت از حقوق افراد دارای

معلولیت می‌باشد. توضیح آنکه از یک سو، هم در اصل ۸۵ قانون اساسی^۱ و هم در ماده ۳۸ آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی^۲ تشکیل کمیسیون‌های ویژه و تخصصی پیش‌بینی گردیده است، و از سوی دیگر افراد دارای معلولیت نیز به عنوان بزرگترین اقلیت جامعه محسوب می‌گردند (محمودی، ۱۳۹۹: ۱۰۸). که اقتضای توجه بیشتر به حقوق این افراد در شرایطی که تا کنون حقوقشان تضییع شده و لازم است این تضییع حقوق به نحوی جبران گردد، در کشور ما و در نظام حقوقی کنونی وجود دارد. همچنین کمیسیون مذکور می‌تواند ضمن پرداختن به حقوق افراد دارای معلولیت و اعتلای وضعیت حقوقی آنان به حقوق سایر اعضای جامعه که به هر دلیلی نیاز به بازتوانی و توانمندسازی دارند تا بتوانند وضعیتی مساوی و برابر با دیگر افراد جامعه را کسب نمایند، به ارائه فعالیت و نظارت بپردازد که می‌تواند از مهم‌ترین مباحث حقوق بشری در سطح بین‌الملل محسوب شود و این مسئله همچنین می‌تواند در اعتلای جایگاه کشور ما نیز در این زمینه تاثیر قابل توجهی داشته باشد؛ لذا می‌توان کمیسیونی تخصصی در مجلس شورای اسلامی تشکیل شود که به طور خاص و ویژه به اعمال نظارت بر حقوق افراد ذبحق در این زمینه به خصوص افراد دارای معلولیت در ایران بپردازد. کمیسیون مذکور می‌تواند وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های متولی امور ایثارگران و معلولان را مورد نظارت دقیق قرار داده و در راستای حمایت‌های روز افزون از جامعه هدف نهادهای مذکور، اقدامات لازم را انجام دهد. این پیشنهاد می‌تواند مبین ارتقا سطح تفکر و نگرش جامعه نسبت به افراد معلول، ایثارگران و ارتقاء جایگاه این دو قشر، به خصوص، معلولان باشد. تفکری که بیانگر آن است که نباید صرفاً به افراد نیازمند کمک بلاعوض مالی نمود بلکه باید هزینه‌ها در جبهی مصرف گردد تا افراد توانمند شده و خودشان به تدریج بتوانند با ورود به عرصه اجتماع و قرار گرفتن در کنار سایر افراد جامعه و یافتن فرصت‌های برابر با سایرین به ایفای نقش خود در اجتماع بپردازند. این پیشنهاد با توجه به اینکه هیچ محدودیتی در قانون اساسی برای تعداد کمیسیون‌های مجلس در نظر گرفته نشده است و صرفاً با اصلاح و تغییر آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی به راحتی قابل انجام بوده و هیچ مانعی برای انجام آن با توجه به وضعیت حقوقی کنونی

۱- اصل ۸۵ قانون اساسی: سمت نمایندگی قائم به شخص است و قابل واگذاری به دیگری نیست. مجلس نمی‌تواند اختیار قانون‌گذاری را به شخص یا هیئتی واگذار کند ولی در موارد ضروری می‌تواند اختیار وضع بعضی از قوانین را با رعایت اصل هفتاد و دوم به کمیسیون‌های داخلی خود تفویض کند، در این صورت مصوبات دولت نباید با اصول و احکام مذهب رسمی کشور و یا قانون اساسی مغایرت داشته باشد، تشخیص این امر به ترتیب مذکور در اصل نود و ششم با شورای نگهبان است...

۲- ماده ۳۸ آیین‌نامه داخلی مجلس: مجلس دارای کمیسیون‌های تخصصی و کمیسیون‌های خاص با محدوده وظایف مشخص به شرح مذکور در آیین‌نامه داخلی مجلس می‌باشد.

وجود ندارد. به عبارت دیگر پیش‌بینی کمیسیون مذکور، یک پیشنهاد عملی است که با اصلاحات اندک، میتواند از مرحله نظر به مرحله عمل تبدیل شود.

کمیسیون پیشنهادی پس از تشکیل، هم می‌تواند زمینه نظارت را به طور دقیق بر کلیه اعمال قوه مجریه (چه نهادهای عمومی غیر دولتی مانند شهرداری‌ها و چه نهادهای دولتی مرتبط مانند سازمان بهزیستی و یا سایر نهادهای ذیربط) در مورد اجرای حقوق افراد دارای معلولیت فراهم آورد که همین مساله خود باعث دقت بیشتر مسئولین ذیربط می‌گردد و هم می‌تواند در صورت بروز مشکل یا مشاهده تخلف از سوی یکی از مسئولین مربوطه در زمینه حقوق معلولان، مقدمات انجام تذکر، سؤال و استیضاح که مهم‌ترین ابزار اعمال قدرت و نظارت مجلس بر رئیس جمهور و وزرا است را فراهم آورد. همچنین به ارائه طرح‌هایی در راستای وظایف خود و تامین و تضمین حقوق افراد دارای شرایط خاص به خصوص قشر معلول جامعه پردازد و نسبت به تلویح دولت در این زمینه‌ها نیز با دقت و تخصص بیشتری بررسی و اظهار نظر نماید. به علاوه، این کمیسیون می‌تواند به طور خاص، مقدمات و اقدامات لازم را جهت تحقیق و تفحص از نهادهای ذیربط حقوق معلولان و یا نهادهایی که وظایفی در راستای احقاق حقوق این افراد را به عهده دارند پردازد و زمینه پاسخ‌خواهی مجلس و پاسخ‌گویی نهادهای مذکور را ایجاد نمایند. البته در حال حاضر نیز فراکسیون حقوق معلولان در مجلس شورای اسلامی تشکیل گردیده است ولی اولاً در حال حاضر فراکسیون مذکور فعالیت چندان مؤثری نداشته و مانند سایر فراکسیونها، از جایگاه حقوقی خاصی در مجلس برخوردار نیست، ثانیاً تشکیل کمیسیونی با این عنوان و با شرح وظایف مشخص، برای تخصصی شدن موضوع و همچنین سرعت بالا در رسیدگی به حقوق اقلیت کم برخوردار و آسیب‌پذیر جامعه می‌تواند کارآمدتر و مؤثرتر واقع شود و علاوه بر نقش فعالی که در زمینه قوانین حمایتی از افراد دارای معلولیت ایفا می‌کند که در اینجا مجال بحث آن وجود ندارد، می‌تواند با وظایف قانونی که مانند کمیسیون‌های دیگر به عهده دارد (مانند تصویب قوانین آزمایشی مرتبط با حقوق معلولان البته پس از تصویب مجلس) به عنوان تضمینی محکم برای اجرای حقوق گروه‌های مستحق و آسیب‌پذیر جامعه به خصوص افراد دارای معلولیت، محسوب گردد. به علاوه آنکه کمیسیونی با این نام و شرح وظایف، از جایگاه حقوقی و قانونی بیشتری نسبت به فراکسیون برخوردار است و با توجه به این وضعیت، انتظار می‌رود اعضای آن نیز سعی در انجام وظایف قانونی خود نمایند. لازم به ذکر است این پیشنهاد در صورتی که اعضای این کمیسیون نیز خود دارای معلولیت یا جزء ایثارگران باشند، می‌تواند واجد اثر دوچندان باشد؛ چراکه افرادی که خود با معلولیت یا دیگر مشکلات جامعه دست و پنجه نرم می‌کنند یقیناً دغدغه بیشتری برای حل و رفع مشکلات مبتلا به خود

در جامعه به خصوص افراد دارای معلولیت در کشور خواهند داشت و صرف حضور افراد با ویژگی‌های مذکور در کمیسیونی با این شرح وظایف، خود می‌تواند ضمانت اجرای محکمی برای حقوق اقشار آسیب‌پذیر جامعه به ویژه افراد دارای معلولیت محسوب گردد.

بند دوم: ارتقاء نقش و جایگاه حقوقی مدیریت سازمان متولی امور معلولان

یکی دیگر از پیشنهاداتی که در زمینه مطلوب سازی نظارت سیاسی بر حقوق افراد دارای معلولیت در ایران می‌توان طرح نمود، تغییر جایگاه حقوقی دستگاه متولی امور معلولان و حتی به طور مشخص، صرفاً ارتقاء امکان نقش آفرینی رئیس آن می‌باشد که علاوه بر تخصصی شدن آن به گونه‌ای که سازمانی باشد که فقط وظیفه حمایت از معلولان را داشته باشد، باید جایگاه حقوقی آن نیز مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد و پیشنهاداتی در جهت مطلوب سازی ضمانت اجرای حقوق معلولان طرح گردد. لازم به ذکر است ارائه الگوی مطلوب در بعد مدیریت سازمان متولی امور معلولان بیشتر در جهت افزایش میزان و نوع نظارت سیاسی مستقیم یا غیر مستقیم مجلس بر آن قابل بررسی می‌باشد که در قالب سه بند تبیین می‌نماییم. تمرکز اصلی ما در ارائه الگوی مطلوب در این زمینه، داشتن حق حضور در هیئت دولت به همراه حق رای برای رئیس دستگاه متولی امور معلولان می‌باشد که در حال حاضر به دلیل آنکه رئیس سازمان بهزیستی به عنوان سازمان متولی امور معلولان، عنوان معاونت وزیر را دارد حق شرکت و دادن رأی در هیئت دولت را ندارد که در ادامه به توضیح و تبیین آن می‌پردازیم.

جزء اول: داشتن حق شرکت رئیس سازمان متولی امور معلولان در هیئت دولت

اولین پیشنهادی که در این زمینه مطرح می‌شود، آن است که برای رئیس سازمان متولی امور معلولان که در حال حاضر عنوان معاون وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی و رئیس سازمان بهزیستی را دارد و طبعاً حق شرکت مداوم در هیئت دولت را ندارد، حق شرکت مداوم و مستمر در هیئت دولت در نظر گرفته شود و همانگونه که طبق ماده ۲ آیین‌نامه هیئت دولت^۱، غیر از وزرا برخی مقامات دیگر نیز می‌توانند در هیئت دولت شرکت نمایند، به رئیس سازمان متولی امور معلولان نیز این اجازه داده شود تا در کلیه جلسات هیئت دولت با داشتن حق رای شرکت نماید. البته طبق ماده ۳ آیین‌نامه مذکور^۲، تنها

۱- ماده ۲ (اصلاحی ۱۳۸۸/۱۱/۰۴)- اشخاص زیر حق حضور دائم در هیات دولت را دارند: رئیس جمهور، معاون اول رئیس جمهور، وزراء، معاون امور حقوقی رییس جمهور، معاون امور مجلس رییس جمهور، معاون اجرایی رئیس جمهور، رییس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، رئیس سازمان صداوسیما، رئیس کل بانک مرکزی و دبیر هیات دولت شرکت اشخاص دیگر منوط به موافقت رئیس جلسه است.

۲- ماده ۳ (مصوب ۱۳۶۸/۰۹/۰۸)- اعضاء صاحب رای دولت عبارتند از رئیس جمهور، وزراء معاون اول رئیس جمهور در زمانی که اداره جلسه هیات دولت به عهده اوست.

رئیس جمهور و وزرا و در غیاب رئیس جمهور نیز معاون اول او دارای حق رای در هیئت وزیران می باشند؛ ولی می توان با اصلاحات لازم در این ماده این حق به رئیس دستگاه متولی امور معلولان نیز اعطا گردد.

با اعمال این پیشنهاد، گام بزرگی در راستای ضمانت و حراست از حقوق معلولان برداشته می شود؛ چراکه رئیس سازمان متولی امور معلولان از یک سو با حضور و اظهار نظر خود از صدور آیین نامه های خلاف حقوق معلولان توسط هیئت وزیران، جلوگیری می نماید که به عنوان اقدام پیشگیرانه در جهت تضمین اجرای حقوق معلولان محسوب می شود و از سوی دیگر در زمان بررسی و پیشنهاد لوایح قانونی از جمله لایحه بودجه در هیئت دولت، می تواند در راستای تامین بودجه برای اجرای آن دسته از حقوق معلولان که نیاز به تامین بودجه دارند و یا سایر اقدامات لازم برای پیشبرد اجرای حقوق افراد دارای معلولیت در جامعه، پیشنهادات و تذکرات لازم را ارائه داده و از بروز خلل در اجرای آن به دلیل کمبود یا عدم تخصیص بودجه جلوگیری نماید.

البته لازم به ذکر است در صورتی این پیشنهاد می تواند کارآمدتر و مفیدتر باشد که سازمانی تخصصی به عنوان سازمان حمایت از معلولان تشکیل شود نه اینکه سازمانی باشد مانند سازمان بهزیستی کنونی که با طیف وسیعی از وظایف و فعالیت ها و بودجه ناکافی در انجام کلیه وظایف خود دچار مشکل باشد. باید سازمانی با نیروهای متخصص در زمینه معلولان و با بودجه ای مستقل، تشکیل شده و به انجام وظایف خود در قبال معلولان بپردازد.

در هر حال چه سازمانی با ویژگی های مذکور تشکیل شود و چه سازمان بهزیستی کنونی همچنان به ارائه خدمت و وظیفه در قبال معلولان بپردازد، با توجه به اینکه این سازمان زیرمجموعه یک وزارتخانه (در حال حاضر وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی) می باشد به صورت غیر مستقیم می تواند زمینه نظارت فعال مجلس را مانند تذکر سؤال و استیضاح برای وزیر مافوق خود فراهم آورده و او را مکلف به پاسخگویی در برابر نمایندگان ملت نماید؛ چراکه امکان نظارت مستقیم بر معاونین وزرا و معاونین رئیس جمهور برای مجلس پیشینی نشده است لذا مقامات مافوق، باید پاسخگویی اعمال مقامات زیرمجموعه خود باشند. در حال حاضر در زمینه حقوق معلولان نیز وزیر تعاون مسئول اقدامات معاون خود که رئیس سازمان بهزیستی است، می باشد. هر چند که ممکن است این نظارت از سوی نمایندگان ملت، به طور کامل و دقیق اجرا نشود.

همچنین مبتنی بر نظم حقوقی کنونی، با توجه به ماده ۶ آیین نامه هیئت دولت که کمیسیون های متعددی در آن هیئت، تشکیل می شود و در آن کمیسیون ها، اعضای غیر وزیر نیز عضویت دارند

عضویت رئیس سازمان متولی امور معلولان در کمیسیون اجتماعی و حتی در کمیسیون لوایح هیئت دولت نیز می‌تواند به نوبه خود گام مؤثری در راستای حراست از حقوق افراد دارای معلولیت محسوب شود.

عناوین کمیسیون‌های داخلی هیئت دولت که در ماده‌ی ۶ آیین‌نامه‌ی داخلی هیئت دولت ذکر شده است مبین آن است که همه‌ی ابعاد حکمرانی شایسته و توسعه از لحاظ اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، زیربنایی، علمی و حقوقی تحت پوشش قرار گرفته است و دولت می‌تواند همه‌ی مسائل و موضوعات مبتلابه در امر حکمرانی را در کمیسیون‌های تخصصی بررسی و سیاست‌گذاری کند (مزروعی ایبانه و عبدالاحد، ۱۴۰۲: ۲۰۱). منوط به آن که با انجام اصلاحات لازم در آیین‌نامه امکان حضور مسئولین نهادهای ذی‌ربط و تخصصی در هیئت وزیران و یا کمیسیون‌های داخلی آن فراهم گردد.

جزء دوم: نظارت مستقیم مجلس بر حقوق معلولان در قالب تشکیل وزارتخانه مستقل

به عنوان پیشنهاد جایگزین، می‌توان دستگاه متولی امور معلولان را در قالب یک وزارتخانه در نظر گرفت و وزارتخانه‌ای مستقل با عنوان وزارت امور معلولان در کشور تشکیل داد که در راس آن وزیر باشد که حق شرکت در جلسات هیئت دولت را نیز داشته و به صورت مستقیم نیز تحت نظارت سیاسی مجلس قرار گیرد. پیشنهاد مذکور علاوه بر مزایا و محاسنی که در بند قبلی برای حق شرکت در هیئت دولت برای رئیس سازمان متولی معلولان بیان شد، امکان اعمال نظارت مستقیم نمایندگان ملت را بر کلیه اقدامات وزیر و وزارتخانه مذکور به وجود می‌آورد؛ چراکه در این صورت بالاترین مقام دستگاه متولی امور معلولان، جزء وزرا بوده، و طبق اصول قانون اساسی و همچنین مواد ۲۰۷ تا ۲۰۹ آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی امکان اظهار نظر نمایندگان همچنین تذکر، سؤال و استیضاح وزرا نیز برای نمایندگان وجود دارد. با اعمال این پیشنهاد، امور معلولان بیشتر زیر ذره‌بین نمایندگان ملت قرار می‌گیرد و تضمین بیشتری برای اجرای حقوق آنها خواهد بود؛ چراکه مقام مافوق دستگاه متولی امور افراد دارای معلولیت، شخصاً مورد نظارت مستقیم مجلس قرار می‌گیرد. به علاوه با اجرای این پیشنهاد، علاوه بر نظارتی که بر خود وزیر به طور مستقیم اعمال می‌گردد، به طور غیر مستقیم، نظارت بر شخص رئیس‌جمهور را نیز به همراه دارد؛ زیرا طبق اصل صد و سی و چهارم قانون اساسی^۱ هم وظیفه نظارت

۱- اصل یکصد و سی و چهارم قانون اساسی: ریاست هیات وزیران با رئیس‌جمهور است که بر کار وزیران نظارت دارد و با اتخاذ تدابیر لازم به هماهنگی ساختن تصمیم‌های وزیران و هیات دولت می‌پردازد و با همکاری وزیران، برنامه و خط مشی دولت را تعیین و قوانین را اجرا می‌کند. در موارد اختلاف نظر و یا تداخل در وظایف قانونی دستگاه‌های دولتی در

بر هیئت وزیران به عهده رئیس جمهور است و هم طبق جزء آخر همان اصل، رئیس جمهور مسئول اقدامات هیئت وزیران نیز می‌باشد. همچنین به جهت کارایی بیشتر و عملیاتی تر شدن موضوع، میتوان بنیاد شهید و امور ایثارگران و معاونت توانبخشی بهزیستی را در هم ادغام و وزارتخانه مجزایی برای این دو قشر (معلولان و ایثارگران) تشکیل داد که هم گام مؤثری در راستای اعتلای جایگاه معلولان در جامعه برداشته می‌شود و هم با توجه به مشترکات موجود میان جانبازان و معلولان، بسیاری از موازی- کاری‌های موجود در کشور را حذف و با تجمیع امکانات مربوط به این دو دستگاه، می‌توان به حل مشکلات موجود پرداخت.

همچنین با توجه به اینکه اجرای بسیاری از مواد قانونی مرتبط با افراد معلول به صدور آیین نامه اجرایی توسط وزرا موکول شده است، این اقدام که باعث عضویت رئیس سازمان متولی امور معلولان در هیئت دولت است میتواند هم باعث تسریع در صدور آیین نامه های مربوطه و تخصصی در زمینه حقوق افراد دارای معلولیت گردد و از تضییع حقوق این افراد به دلیل عدم صدور آیین نامه اجرایی، جلوگیری نماید و هم خود وزیر، حق وضع آیین نامه‌های لازم را در راستای انجام وظایف خود دارد. چراکه طبق اصل ۱۳۸ قانون اساسی، حق وضع آیین نامه‌ها، صرفاً برای هیئت وزیران، وزرا و کمیسیون- های مرکب از چند وزیر آن هم با امضای رئیس جمهور در نظر گرفته شده است و معاون وزیر، حق صدور آیین نامه را ندارد.

جزء سوم: نظارت غیر مستقیم بر سازمان متولی امور معلولان در قالب تشکیل سازمان

زیر نظر ریاست جمهوری

یکی دیگر از پیشنهاداتی که می‌توان در زمینه مطلوب سازی در بعد سازمانی حقوق معلولان در راستای ضمانت اجرای سیاسی حقوق این افراد، ارائه داد، تشکیل سازمان متولی امور معلولان زیر نظر رئیس جمهور است. با اعمال این پیشنهاد، اولاً ارتقا جایگاه حقوقی سازمان حمایت از حقوق معلولان خود به خود باعث ارتقا حقوق این افراد نیز خواهد شد؛ چراکه امکان نظارت سلسله مراتبی معاونت ریاست جمهوری به عنوان رئیس دستگاه متولی امور معلولان از نظارت معاونت وزیر بالاتر و مؤثرتر است و همین مسأله نیز خود باعث تضمین بیشتر و بهتر حقوق افراد دارای معلولیت خواهد شد. ثانیاً با توجه به اینکه طبق پیشنهاد مذکور، رئیس سازمان متولی امور معلولان مستقیماً زیر نظر رئیس جمهور فعالیت می‌نماید و می‌تواند زمینه نظارت غیر مستقیم نمایندگان مجلس را بر رئیس جمهور ایجاد نماید. همین

صورتی که نیاز به تفسیر یا تغییر قانون نداشته باشد، تصمیم هیئت وزیران که به پیشنهاد رئیس جمهور اتخاذ می‌شود لازم‌الاجرا است. رییس جمهور در برابر مجلس مسئول اقدامات هیات وزیران است.

مسئله باعث می‌شود حساسیت بیشتری از سوی رئیس جمهور نسبت به اجرای حقوق معلولان به وجود آید و در صورت بروز مشکل و ایراد نیز مکلف به پاسخگویی در مقابل مجلس شورای اسلامی گردد. این پیشنهاد به شرط آنکه سازمان خاص و تخصصی امور معلولان تشکیل گردد به گونه‌ای که تنها به امور مربوط به معلولان بپردازد و تمام ظرفیت و تلاش خود را در همین راستا متمرکز نماید، کارآمدتر و مؤثرتر خواهد بود. البته سابقاً نیز سازمان بهزیستی که متولی امور معلولان است در قالب معاونت رئیس جمهور زیر نظر مستقیم این مقام فعالیت داشته است؛^۱ ولی با توجه به اینکه این سازمان در کنار رسیدگی به امور معلولان، وظیفه رسیدگی به مسائل اجتماعی را هم بر عهده داشته است و همچنین قانون جامع مرتبط با حقوق افراد دارای معلولیت که از ضمانت اجرای کافی برخوردار باشد در آن زمان وجود نداشت، نتوانست کارایی زیادی داشته باشد.

مبحث دوم: نظارت کمیسیون اصل نود قانون اساسی بر حقوق افراد دارای معلولیت

در یک جامعه مردم‌سالار مبتنی بر قانون، نه تنها حکومت و نهادهای قدرت باید توسط مردم انتخاب شوند بلکه مردم باید بتوانند پس از انتخاب بر اعمال و رفتار منتخبان خود نیز نظارت داشته باشند تا این قدرت به دست آمده در چهارچوب قانون کنترل گردد و به حقوق شهروندان آسیبی وارد نشود. براساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مجلس به عنوان نهادی که از نمایندگان مردم تشکیل شده است طبق اصل ۵۸ قانون اساسی نهاد متولی اعمال قوه مقننه می‌باشد که وظیفه‌ی قانون‌گذاری را بر عهده دارد و در مقام اعمال وظایف قوه‌ی مقننه نیز وظیفه‌ی نظارت را هم بر عهده دارد که برای تحقق این امر جدا از تصویب و وضع قانون توسط مجلس، از طریق دادن رأی اعتماد به هیئت وزیران، سؤال و استیضاح وزیران و رئیس جمهور، تحقیق و تفحص، رسیدگی به شکایات مردم از قوای سه گانه که موضوع اصل ۹۰ قانون اساسی است، نوعی نظارت بر عملکرد قوای دیگر به خصوص قوه‌ی مجریه نیز شکل می‌گیرد (مهرپور، ۱۳۹۵: ۱۸۲) تا از حقوق مردم توسط مجلس دفاع شود. در این مبحث، طی چند گفتار، به نقش کمیسیون اصل نود قانون اساسی به عنوان یکی از طرق نظارت سیاسی حراست از حقوق افراد دارای معلولیت می‌پردازیم.

۱- قانون تشکیل وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در جلسه علنی روز چهارشنبه مورخ ۸ تیرماه یکهزار و سیصد و نود مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۹۰/۴/۱۱ به تأیید شورای نگهبان رسید: به موجب این قانون ادغام سه وزارتخانه تعاون، کار و امور اجتماعی و رفاه و تأمین وزارتخانه تعاون، کار و رفاه اجتماعی تشکیل میشود و تمامی وظایف و اختیاراتی که طبق قوانین برعهده وزارتخانه‌های یادشده بوده است به وزارتخانه جدید و وزیر آن منتقل میگردد. بر همین اساس در تیرماه سال ۱۳۹۰ بر اساس قانون ادغام سه وزارتخانه تعاون، کار و رفاه و تأمین اجتماعی، سازمان بهزیستی کشور به زیرمجموعه وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، ملحق شد.

گفتار اول: ساختار کمیسیون اصل نود قانون اساسی

طبق ماده‌ی ۴۴ آیین‌نامه‌ی داخلی مجلس اعضای کمیسیون اصل ۹۰ به شرح ذیل است: «۱- از هر کمیسیون تخصصی یک نفر با معرفی کمیسیون مربوطه ۲- هشت نفر از نمایندگان که توسط رؤسای شعب و هیأت رئیسه به عنوان اعضای ثابت انتخاب می‌شوند.»

کمیسیون اصل نود برای انجام وظایف خود که طبق قانون اساسی به آن محول گردیده است، دارای دو واحد است که یکی برای رسیدگی به شکایات و دیگری واحد دفتر می‌باشد. این واحدها براساس آیین‌نامه مجلس تشکیل می‌شوند که اعضای واحد رسیدگی همگی از نمایندگان مجلس هستند و براساس قانون آیین‌نامه‌ی داخلی مجلس انجام وظیفه می‌نمایند. اما اعضای واحد دفتر زیر نظر رئیس کمیسیون فعالیت می‌کنند که این هیئت رئیسه‌ی کمیسیون توسط هیئت رئیسه‌ی مجلس تعیین می‌شود و حدود وظایف و اختیاراتش مشخص می‌شود. هیئت رئیسه‌ی کمیسیون می‌تواند در هر کدام از واحدها، به هر تعداد که نیاز هست، بخش تشکیل دهد (راسخ، ۱۳۹۵: ۹۲).

گفتار دوم: مفهوم و خصوصیات شکایت و شاکی در کمیسیون اصل نود

مفهوم شکایت در کمیسیون اصل نود با مفهوم شکایت در مراجع قضایی متفاوت است. مفهوم «شکایت» در کمیسیون اصل نود، نسبت به معنای خاص آن یعنی «تظلم و اعلام جرم و طرح دعوی به مراجع قضایی» یک مفهوم گسترده و عام‌تری دارد (ایمانی، ۱۳۸۵: ۱۸۶).

در خصوص شرایط و ویژگیهای شاکی برای طرح شکایت در این کمیسیون نیز باید بیان نمود طبق عبارت ذکر شده در اصل ۹۰ قانون اساسی «هرکس شکایتی از طرز کار مجلس یا قوه مجریه یا قوه قضاییه داشته باشد...» و رویه‌ی عملی کمیسیون اصل نود می‌توان گفت که همه اشخاص حقیقی و حقوقی حقوق عمومی و حقوق خصوصی می‌توانند شکایت خود علیه طرز کار قوای سه‌گانه را به کمیسیون اصل نود قانون اساسی تسلیم کنند (موسی‌زاده و جوکار، ۱۳۹۱: ۲۰۲). بنابراین، در نظم حقوقی کنونی، در خصوص حقوق افراد دارای معلولیت نیز هم سازمان بهزیستی به عنوان سازمان متولی امور معلولان می‌تواند در خصوص نارسایی و کمبود در زمینه اجرای این حقوق، در کمیسیون اصل نود شکایت نماید و هم سازمان‌های مردم‌نهاد امکان طرح شکایت از دستگاه‌های متخلف و کم‌کار در زمینه حقوق افراد دارای معلولیت را در این کمیسیون دارند.

گفتار سوم: ضمانت اجرای نظارت کمیسیون اصل ۹۰

رسیدگی به شکایات در کمیسیون اصل نود اصولاً دارای ماهیت حقوقی است ولی چون مجلس دارای صلاحیت قضایی نمی‌باشد و نظارت آن نظارت سیاسی است، در نتیجه رسیدگی مجلس نمی‌تواند

حکمی لازم الاجرا را در پی داشته باشد بلکه مجلس فقط می تواند به مسئولین مربوطه تذکر دهد و یا از آنان سؤال بپرسد و ... اما با انتشار گزارش از تخلفات می تواند زمینه ای اطلاع مقامات قضایی را فراهم کند. در واقع برآیند رسیدگی کمیسیون، در قالب گزارش هایی است که منتشر می کند و چنین گزارش ها نوعی نظارت اطلاعاتی به حساب می آید که اطلاعات بسیار مفیدی را از معایب و نقایص قوای سه گانه به مجلس و نمایندگان اطلاع می دهد و موجب دگرذیسی در ساختارها می شود و قوانین مقتضی جهت رفع این موانع به تصویب می رسد و یا زمینه ای بروز پاسخگویی مسئولین را به دنبال دارد. بنابراین نمی توان اختیار رسیدگی کمیسیون به شکایات جزئی و موردی را متصور بود زیرا فلسفه ای اصل نود اعمال نظارت اطلاعاتی^۱ از طرز کار قوای سه گانه می باشد. از این رو نمی توان با رسیدگی به شکایات موردی و جزئی کارکرد کمیسیون مبنی بر اصلاح طرز کار و ساختارها را تحت الشعاع قرار داد و حتی می توان چنین استدلال کرد که به واسطه ای عدم وجود ضمانت اجرا بر تصمیمات کمیسیون، نمی توان دستاورد مهم و قابل قبولی را برای رسیدگی به شکایات موردی و جزئی آن تصور کرد (موسی زاده و جوکار، ۱۳۹۱: ۲۰۶-۲۰۷). بنابراین نظارت کمیسیون اصل ۹۰ دارای ضمانت اجرای محکمی نبوده و میزان نقش آفرینی این کمیسیون در مطالبه ای حقوق افراد و رسیدگی به شکایات به میزان نفوذ و تاثیرگذاری نمایندگان عضو این کمیسیون و جهت گیری کلی مجلس و آرایش سیاسی کشور میان جناح ها بستگی دارد (حمیدی، ۱۳۸۳: ۲۰۳).

به نظر می رسد با توجه به اهمیت خاصی که این نوع نظارت (نظارت از طریق کمیسیون اصل نود) در میان سایر نظارت های سیاسی دارد؛ می توان با تغییراتی در ساختار و یا حتی در اصل قانون اساسی، در راستای افزایش و ارتقای سطح ضمانت اجراهای ناشی از این نظارت، گام های بزرگی را برداشت. به خصوص با تغییرات مذکور در ترکیب و نحوه رسیدگی، می توان در جهت افزایش کارایی این کمیسیون و افزایش ضمانت اجراهای ناشی از نظارت آن در زمینه حقوق افراد دارای معلولیت، اقدامات مؤثری را انجام داد تا کمترین خللی در اجرای حقوق این افراد ایجاد گردد. به خصوص که یکی از شرایط شکایت در این کمیسیون، عدم دستیابی به نتیجه در سایر مراجع است. بدین معنا که افراد دارای معلولیت یا سمن های^۲ مرتبط با حقوق آنها که از سایر دستگاه های ناظر، ناامید شده اند و صدایشان به جایی نرسیده و قادر به نیل به اهداف و حقوق حقه خود نبوده اند به عنوان آخرین دست آویز برای

۱- البته با توجه به تعریف نظارت اطلاعاتی و استرجاعی و کارکرد کمیسیون اصل نود در ارجاع موارد لازم به نهادهای ذی ربط و پاسخ خواهی از آنها، نظارت این کمیسیون، استرجاعی است نه اطلاعاتی.

۲- سازمان های مردم نهاد

دستیابی به حقوق مکتسبه خود، به این کمیسیون پناه آورده و شکایت نموده‌اند. لذا باید با اجرای صحیح و مؤثر وظایف مربوط به این کمیسیون، در راستای احقاق حقوق هر چه بیشتر افراد جامعه، به خصوص افراد دارای معلولیت اقدامات مؤثری انجام داد. البته در حال حاضر نیز افراد و نهادهای دولتی و سازمانهای مردم-نهاد مربوطه میتوانند چنانچه از عدم اجرای حقوق معلولان توسط هر نهادی شکایت داشته باشند و شکایات آنها در این زمینه قبلا در مراجع ذیصلاح طرح شده و نتیجه بشخ نبوده است، در این کمیسیون شکایت نموده و مانند سایر موضوعات، زمینه بررسی و پیگیری این کمیسیون را فراهم آورد. البته با توجه به ترکیب کنونی کمیسیون و ضمانت اجرای نظارت آن نمیتوان از مؤثر بودن شکایت در این کمیسیون در زمینه حقوق معلولان اطمینان داشت.

گفتار چهارم: ارائه الگوی مطلوب نظارت کمیسیون اصل نود بر حقوق افراد دارای معلولیت

با توجه به مطالبی که در زمینه وضعیت موجود کمیسیون اصل نودم قانون اساسی به عنوان ضمانت اجرای حقوق افراد دارای معلولیت بیان گردید مواردی را در جهت مطلوب سازی کارایی این کمیسیون در زمینه حقوق افراد مذکور تبیین و تشریح می‌نماییم تا بار رعایت این موارد نیز گامی مؤثر در جهت افزایش و تقویت نظارت سیاسی و پارلمانی حقوق افراد معلول برداشته، از این نهاد نیز به طرز مطلوب-تری در راستای استحقاک و اعتلای ضمانت اجرای حقوق افراد دارای معلولیت استفاده گردد.

بند اول: آگاهی بخشی به مردم در خصوص وظایف کمیسیون اصل نود قانون اساسی

اولین اقدامی که در زمینه مطلوب سازی فعالیت و کارایی کمیسیون اصل نود می‌توان مطرح نمود، آگاه سازی افراد جامعه در خصوص وظایف و کارکردهای این کمیسیون است. با توجه به اینکه اطلاع رسانی دقیق و گسترده‌ای در این زمینه صورت نگرفته است و اکثر مردم از این حق خود مبنی بر امکان شکایت از طرز کار قوای سه گانه که منجر به تضییع حقوقشان گشته، در این کمیسیون اطلاع ندارند باید در وهله اول در زمینه وجود این حق و سازکارهایی که در این زمینه وجود دارد مردم را به طور کامل آگاه نمود و به خصوص بنا به اقتضا موضوع این نوشته، افراد دارای معلولیت نیز که جزئی از این جامعه هستند از این امکان آگاه گردند تا شکایات و اعتراضات خود را در زمینه نقض حقوقشان به این کمیسیون ببرند و تا حصول نتیجه، پیگیری نمایند. این اقدام می‌تواند در جهت ارتقا حقوق شهروندی افراد جامعه و به خصوص افراد دارای معلولیت صورت گیرد.

این آگاهی بخشی می‌تواند به طرق گوناگونی انجام شود. از مهمترین شیوه‌های آگاهی بخشی، آموزش در رسانه های ملی و محلی میباشد که مورد استعمال قریب به اتفاق افراد جامعه است. همچنین

آموزش‌هایی که در کتب درسی دانش آموزان در این زمینه داده می‌شود نیز می‌تواند به نوبه خود کارساز باشد.

به علاوه، تبیین این موضوع که هم اشخاص حقیقی و هم حقوقی حقوق عمومی و خصوصی می‌توانند به طرح شکایت بپردازند نیز میتواند زمینه طرح شکایت از طرف سازمان متولی امور معلولان و سازمانهای مردم‌نهاد مرتبط با حقوق این افراد را نیز در کمیسیون اصل نود، فراهم نموده و باعث افزایش مطالبه‌گری همه اشخاص و نهادهای مربوطه در این زمینه گردیم.

بند دوم: ایجاد سایت با قابلیت‌های خاص

یکی دیگر از پیشنهادهای که می‌توان در راستای دولت الکترونیک در جهت مطلوب‌سازی ضمانت اجرایی‌های کمیسیون اصل نود قانون اساسی مطرح نمود، ایجاد سایتی جهت دریافت شکایات مردمی می‌باشد تا افرادی که از طرز کار قوای سه‌گانه شکایتی دارند بتوانند به راحتی شکایت خود را در این سایت مطرح نموده و تا حصول نتیجه نیز پیگیری نمایند. همچنین باید امکان مشاهده گردش کار شکایت نیز برای شاکیان در آن سایت ایجاد گردد. بدین معنا که بتوانند از سیر ارجاعات شکایت خود نیز به صورت لحظه به لحظه مطلع گردند با طراحی چنین سایتی زیر نظر دفتر مربوط به شکایات کمیسیون اصل نود، می‌تواند گامی مؤثر در جهت شفافیت مسئله محسوب شود. چراکه تعداد شکایات ورودی و نتایج خروجی به طور کامل مشخص بوده و با مشاهده گردش کار شکایت از طرف شاکیان نیز میتوان به میزان جدیت مسئولین ذیربط در این زمینه پی برد که باعث تقویت امیدواری و اعتماد مردم به حکومت گردد و پس از آن نیز از شاکیان نظرسنجی به عمل آید.

با اجرای چنین پیشنهادی می‌توان بخشی از سایت را علاوه بر دسترس پذیر کردن برای کلیه گروه‌های معلول به خصوص نابینایان، به شکایات مربوط به حقوق افراد دارای معلولیت اختصاص داد که بتوانند شکایات خود را در آن قسمت مطرح نمایند و مسئولین ذیربط نیز با سرعت و حساسیت بیشتری به این شکایات رسیدگی نمایند.

همچنین اعضای این کمیسیون که نمایندگان مجلس شورای اسلامی هستند نیز می‌توانند بنا به اهمیت و حساسیت حقوق افراد معلول، نسبت به نتیجه شکایت نیز اقدامات جدیتری انجام دهند و برخوردهای شدیدتر و جدی‌تری با متخلفان و مرتکبین جرایم و تخلفاتی که منجر به تضییع حقوق این افراد می‌گردد داشته باشند تا روش مذکور (شکایت در کمیسیون اصل نود قانون اساسی) به عنوان ضمانت محکمی برای اجرای حقوق افراد دارای معلولیت محسوب گردد.

بند سوم: تغییر در ترکیب کمیسیون اصل نود قانون اساسی

یکی دیگر از اقداماتی که می‌توان در جهت مطلوب سازی نظارت کمیسیون اصل نود قانون اساسی بر حقوق معلولان، با تکیه بر وضعیت موجود انجام داد، عضویت یک یا دو نفر از اعضای فراکسیون حقوق افراد دارای معلولیت در این کمیسیون است. توضیح آنکه با توجه به اهمیت بالایی که حقوق افراد معلول در هر جامعه به خصوص کشور عزیزمان ایران دارد و مورد توجه افکار عمومی و حقوق بشر نیز می‌باشد، عضویت یک یا دو نفر از نمایندگان فراکسیون افراد معلول در کمیسیون اصل نود به عنوان اقدام مهم در راستای تضمین و حراست از حقوق معلولان محسوب می‌گردد. چنانچه این سازکار اندیشیده شود و افراد مذکور نیز با تعهد و تخصص خاصی در این کمیسیون انجام وظیفه نمایند، می‌توان شاهد افزایش ضمانت اجرای ناشی از کمیسیون اصل نود در زمینه حقوق افراد دارای معلولیت شد که به تدریج به ارتقا حقوق این افراد منتج می‌گردد. به خصوص اگر اعضای فراکسیون افراد دارای معلولیت، از اعضای ثابت این کمیسیون باشند.

البته اگر پیشنهاد تشکیل کمیسیون تخصصی مرتبط با معلولان که در جای دیگر مطرح گردید، اجرا شود خود به خود این اتفاق مهم نیز خواهد افتاد. چراکه طبق مطالبی که در تشکیلات این کمیسیون اصل نود بیان شد و از کمیسیون‌های تخصصی یک نفر در این کمیسیون عضویت دارد، یک یا دو نفر از اعضای کمیسیون مرتبط با حقوق معلولان نیز در کمیسیون اصل نود حضور خواهد داشت و به صورت تخصصی‌تر و دقیق‌تر به اعمال نظارت در زمینه حقوق افراد دارای معلولیت خواهد پرداخت و نظارت کمیسیون اصل نود قانون اساسی، دارای ضمانت اجرای محکم‌تری در زمینه مذکور محسوب خواهد شد.

بند چهارم: ایجاد بخش رسیدگی به شکایات معلولان در واحد شکایات کمیسیون اصل نود

با توجه به اینکه هیئت رئیسه کمیسیون اصل نود قانون اساسی حق دارد در هر واحدی به تعداد مورد نیاز، بخش ایجاد نماید و همچنین در راستای احقاق حقوق معلولان، می‌توان پیشنهاد ایجاد بخش رسیدگی به شکایات معلولان را در این کمیسیون مطرح نمود. این اقدام می‌تواند ضمن هشدار و هشیارسازی دستگاه‌های ذی‌ربط حقوق معلولان جهت جلوگیری از عدم اجرای این حقوق، سرعت و تخصص را نیز در پیگیری شکایات مربوط به حقوق آنها به همراه داشته باشد.

نتیجه‌گیری

حقوق افراد دارای معلولیت به عنوان یکی از مهمترین مسائل مرتبط با حقوق بشری و شهروندی در جامعه محسوب شده و هم باید به درستی و با ضمانت اجرای محکم و قوی وضع شده و هم باید با سازوکار اعمال انواع نظارت بر آن به طور دقیق و تخصصی توسط انواع نهادها پیش‌بینی شود. یکی از مهمترین انواع نظارت‌ها که می‌تواند بر اجرای حقوق افراد دارای معلولیت صورت بگیرد نظارت سیاسی است که توسط مجلس شورای اسلامی از طریق ابزارهای نظارت مانند تذکر، سؤال استیضاح تحقیق و تفحص و همچنین کمیسیون اصل نود قانون اساسی به عنوان یکی از نهادهای زیر مجموعه مجلس باید انجام شود تا روزه‌های نقض حقوق این افراد توسط دولت به طور کامل بسته شده و تخلف از اجرای آن ناممکن یا سخت شود و متخلفین از اجرای این حقوق نیز مطمئن باشند در پس نقض این حقوق، تبعات سختی متوجه آنها خواهد شد. البته در وضعیت موجود نیز این نظارت‌ها به طور ضعیف و بدون پیش‌بینی سازوکار خاص، انجام می‌شود ولی با توجه به ضعف در اجرای حقوق افراد دارای معلولیت در کشور، ضرورت تقویت این نظارت و ضمانت اجرای ناشی از آن، مسأله‌ای انکارناپذیر خواهد بود.

یکی از پیشنهاداتی که مبتنی بر وضعیت حقوقی کنونی می‌توان برای کارایی بیشتر این حقوق در نظر گرفت، تشکیل کمیسیونی تخصصی در مجلس شورای اسلامی برای رسیدگی به امور معلولان است که می‌تواند به صورت خاص، پیگیر اعمال نظارت‌های مجلس بر اجرای حقوق اقشار با شرایط خاص به ویژه معلولان گردد و به صورت تخصصی، به بررسی موانع و خلأهای اجرای حقوق افراد دارای معلولیت در کشور گردد. این کمیسیون می‌تواند در موارد لزوم، زمینه انجام تحقیق و تفحص مجلس از تمامی دستگاه‌های زیرمجموعه قوه مجریه، تذکر، سؤال و استیضاح وزرا و رئیس جمهور را نیز به دلیل نقض و عدم اجرای حقوق معلولان ایجاد نماید.

یکی دیگر از راهکارهای مناسب جهت افزایش و دقیق‌تر شدن نظارت بر سازمان متولی امور معلولان، تغییر جایگاه حقوقی رئیس سازمان متولی امور معلولان و البته تخصصی شدن این سازمان است که باعث افزایش نظارت‌پذیری حقوق افراد دارای معلولیت از بعد سیاسی نیز می‌گردد. داشتن حق حضور رئیس سازمان متولی امور معلولان در وضعیت فعلی خود در هیئت دولت به همراه حق رأی نیز یکی از مواردیست که می‌تواند هم به تقویت اجرای حقوق معلولان کمک شایانی نموده و هم احقاق حقوق معلولان را برای نهادهای ناظر، قابل توجه نماید. به علاوه، عضویت رئیس دستگاه متولی امور معلولان در کمیسیون‌های داخلی هیئت دولت نیز می‌تواند در وضعیت کنونی، ما را در رسیدن به وضعیت مطلوب، کمک نماید.

همچنین ارتقاء سازمان متولی امور معلولان از سازمانی زیرمجموعه وزارتخانه، به یک وزارتخانه‌ی تخصصی نیز می‌تواند به نظارت‌پذیری بیشتر و دقیق‌تر بر اجرای حقوق معلولان از سوی مجلس منتج گشته و هم مسئولیت فردی وزیر و هم مسئولیت ناشی از اقدامات جمعی هیئت وزیران ناشی از عدم اجرای حقوق معلولان را در مقابل مجلس، برای وزیر مربوطه، در پی داشته باشد. همچنین انجام این اقدام می‌تواند مانع از تأخیر در وضع آیین‌نامه‌های مرتبط با حقوق معلولان توسط هیئت وزیران گردد و حتی در مواقع لازم و مطابق قانون، خود وی نیز به عنوان وزیر و بالاترین مقام دستگاه متولی امور معلولان می‌تواند به وضع آیین‌نامه در راستای انجام وظایف خود پردازد.

یکی دیگر از پیشنهاداتی که میتوان در راستای تضمین حقوق افراد دارای معلولیت در پرتو نظارت سیاسی مطرح نمود، ارتقاء جایگاه سازمان متولی امور معلولان، از سطح زیرمجموعه وزارتخانه به زیرمجموعه مستقیم رئیس جمهور است که می‌تواند باعث مسؤلیت و پاسخگویی رئیس جمهور در قبال عدم اجرای حقوق افراد دارای معلولیت گردد. در این صورت که سابقه اجرا در سالهای قبل نیز دارد رئیس سازمان متولی امور معلولان، عنوان معاون رئیس جمهور را دارد و علاوه بر اعتلای جایگاه حقوقی سازمان، باعث اعمال نظارت شدیدتر و دارای ضمانت اجرای بیشتری در قبال عدم اجرای حقوق معلولان باشیم. البته انجام این اقدام، اساساً می‌تواند از عدم اجرای حقوق افراد معلول نیز جلوگیری کند؛ چراکه ممکن است نقص در این زمینه، مقدمات سؤال و استیضاح از رئیس جمهور را فراهم نماید و همین مسأله می‌تواند باعث افزایش حساسیت و دقت رئیس جمهور در این زمینه گردد.

همچنین در زمینه نظارت کمیسیون اصل نود قانون اساسی به عنوان یکی از انواع نظارت‌های مجلس بر دولت که باید نسبت به اجرای حقوق افراد دارای معلولیت انجام شود نیز میتوان پیشنهاداتی از جمله، آگاه‌سازی و دادن اطلاعات به مردم و افراد دارای معلولیت راجع به ظرفیت‌های وجود این نهاد، ایجاد بخشی از سامانه شکایات در این کمیسیون که برای کلیه گروه‌های معلولان مناسب سازی شده و دسترس‌پذیر باشد، عضویت یک یا دو نفر از اعضای فراکسیون حقوق معلولان در این کمیسیون و ایجاد بخشی در واحد رسیدگی به شکایات کمیسیون اصل نود برای رسیدگی به شکایاتی که مرتبط با اجرای حقوق معلولان است و پیگیری مجدانه و مستمر برای به نتیجه رسیدن شکایات مذکور را در راستای افزایش نظارت سیاسی بر حقوق افراد دارای معلولیت بیان نمود تا نظارت بر اجرای حقوق افراد دارای معلولیت در کشور به حداکثر رسیده و روزه‌های نقض آن محدودتر گردد.

کتابنامه

۱. پروین، خیرالله؛ اصلانی، فیروز (۱۳۹۱). اصول مبانی حقوق اساسی، چاپ دوم، تهران، دانشگاه تهران.
۲. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۱). مبسوط ترمینولوژی حقوق، جلد اول، چاپ دوم، تهران، گنج دانش.
۳. راسخ، محمد (۱۳۹۵). نظارت و تعادل در نظام حقوق اساسی، چاپ سوم، تهران، انتشارات دراک.
۴. طباطبایی مومنی، منوچهر (۱۳۹۳). حقوق اساسی: کلیات حقوق سیاسی و رژیم های مهم سیاسی معاصر، چاپ پانزدهم، تهران، نشر میزان.
۵. عباسی لاهیجی، بیژن (۱۳۹۷). حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، تهران، انتشارات داد گستر.
۶. موسی زاده، ابراهیم؛ جوکار، فضل الله (۱۳۹۱). آموذمان و نهادهای مشابه آن در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، تهران: نشر داد گستر.
۷. مهرپور، حسین (۱۳۹۵). مختصر حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، چاپ ششم، تهران: نشر داد گستر.
۸. هاشمی، سید محمد (۱۳۸۰). حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران (حاکمیت و نهادهای سیاسی)، جلد دوم، چاپ پنجم، تهران: نشر داد گستر.
۹. استیری، علی (۱۳۹۲). بررسی وظایف و اختیارات ریاست جمهوری و ابزارهای نظارت بر وی در قانون اساسی؛ ریاست جمهوری؛ از سوگند تا استیضاح، نشریه شهر قانون، سال دوم، شماره ۷.
۱۰. اشکبوس، حمزه؛ اصلانی، فیروز (۱۳۹۷). ابزار نظارتی استیضاح وزیران در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران و ایرادات حاکم بر آن، فصلنامه حقوق اسلامی، دوره ۱۵، شماره ۵۶.
۱۱. ایمانی، عباس (۱۳۸۵). همگرایی حقوق و سیاست در اصل نود قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، نشریه کانون وکلا، شماره ۱۹۴ و ۱۹۵.
۱۲. پروین، خیرالله؛ مصطفوی نژاد، سید شهاب الدین (۱۴۰۰). واکاوی سوال از رئیس جمهور به مثابه یکی از ابزارهای نظارتی قوه مقننه، اندیشه های حقوق عمومی، سال یازدهم، دوره ۲۰، شماره ۱.

۱۳. حمیدی، محمد محسن (۱۳۸۳). فلسفه و ساز و کار پاسخ‌گویی در نظام جمهوری اسلامی ایران، پژوهش‌های علوم اجتماعی اسلامی، سال دهم، شماره ۴۹ و ۵۰.
۱۴. شفیعی‌فر، محمد (۱۳۸۴). مردم‌سالاری در حقوق اساسی جمهوری اسلامی؛ حدود قدرت دولت، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۲.
۱۵. محمودی، سید فضل‌الله (۱۳۹۹). تحلیل و ارزیابی حقوق معلولان در پرتو حقوق شهروندی، نشریه مطالعات تطبیقی حقوق شهروندی، دوره یکم، سال اول، شماره ۱.
۱۶. مزروعی ایبانه، یحیی؛ عبدالاحد، علی (۱۴۰۲). نظام حقوقی حاکم بر شوراهای اداری درون قوهی مجریه، آسیب‌شناسی و ارائه الگوی مطلوب، فصلنامه دانش حقوق عمومی، سال دوازدهم، شماره ۴۰.

